



Redefining the origin of the doubt, as an epistemic basis for facing and confronting it

Faranak Bahmani¹
Saeed Bahmani²

Abstract

If the origin and grounds of the emergence and formation of the doubt among the members of the society are explained and removed, the doubt-casters will not succeed in their strategies to destroy the original identity and beliefs of the society. Therefore, explaining the origin of the doubt, its acceptance and cast helps the society to prevent the initial development and formation of the doubt, its growth and spread. If the doubt is published, it also helps the society to take action to face it correctly. The present research has been carried out with the aim of knowing the origin of doubt, its acceptance and cast as a necessary epistemic basis in facing doubt and resolving it, through a descriptive-analytical method. According to the nature of the research and the type of attitude towards the subject, for inference and analysis, data and information have been collected by documentary method. Therefore, as proof, it has redefined their origin in the light of the authentic Islamic culture. The findings indicate that doubts are rooted in the human spiritual abilities. Although many external factors play a role in the formation and acceptance of doubt; but what makes a doubt acceptable is the inner origin of doubt in humans. Therefore, in order to face doubts, three basic components are needed: analysis of the existential causes of the doubt, analysis of proven causes of the doubt and casting it, and explanation of the identity of doubt-casters and their goals to sustainance the wisdom of the addressees in order not to accept the doubt.

Keywords: Internal Origin, External Origin, Accepting Doubt, Casting Doubt.

¹ Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yasouj University, Iran (Responsible Author). | fbahmani@mail.yu.ac.ir

² Assistant Professor, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom; Iran | s.bahmani@isca.ac.ir



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني



بازتقریر خاستگاه شبهه به مثابه مبناي معرفتی مواجهه و مقابله با آن

فرانک بهمنی^۱

سعید بهمنی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۷

چکیده

چنانچه خاستگاه و زمینه‌های پیدایش و شکل‌گیری شبهه در افراد جامعه تبیین گردد و از بین برود، شبهه افکنان در راهبردهای خود برای اضمحلال هویت و اعتقادات اصیل جامعه موفق نخواهند شد؛ بنابراین تبیین خاستگاه شبهه، شبهه‌پذیری و شبهه‌افکنی به جامعه کمک می‌کند، تا از تکوین ابتدایی و شکل‌گیری شبهه، رشد و انتشار آن، جلوگیری شود. در صورت نشر شبهه نیز به جامعه کمک می‌کند تا گام اول مواجهه با آن را به درستی بردارد. پژوهش حاضر با هدف شناخت خاستگاه شبهه، شبهه‌پذیری و شبهه‌افکنی به مثابه مبناي معرفتی لازم در مواجهه با شبهه و رفع آن، به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. با توجه به ماهیت پژوهش و نوع نگرش به موضوع، برای استنباط و تحلیل، جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات به روش اسنادی صورت پذیرفته است. بدین جهت در مقام اثبات، به بازتقریر خاستگاه آنها در فرهنگ اصیل اسلام پرداخته است. یافته‌ها بیانگر این است که شبهات، ریشه در ملکات نفسانی انسان دارند؛ اگر چه عوامل بیرونی متعددی در تکوین و پذیرش شبهه نقش دارد؛ لکن آنچه شبهه‌پذیری را ممکن می‌سازد خاستگاه درونی شبهه در انسان است؛ بنابراین برای مواجهه با شبهات سه مؤلفه اساسی: تحلیل علل وجودی شبهه‌پذیری، تحلیل علل ثبوتی ایجاد شبهه و شبهه‌افکنی و تبیین عناصر شبهه‌پرداز و اهداف آنان برای پشتیبانی خود مخاطبان در جهت عدم پذیرش شبهه مورد نیاز است.

واژه‌های کلیدی: خاستگاه درونی، خاستگاه بیرونی، شبهه‌پذیری، شبهه‌افکنی.

^۱ . استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یاسوج، ایران (نویسنده مسئول) | fbahmani@mail.yu.ac.ir

^۲ . استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم؛ ایران | s.bahmani@isca.ac.ir

مقدمه

شبهات وارده بر اعتقادات در طول تاریخ، سابقه‌ای دیرینه دارند، شاید بتوان گفت آغاز شبهه‌پذیری و شبهه‌افکنی مقارن با خلقت انسان و فرایند تفکر بشر است. عصر نوین، عصر گفتگوی تمدن‌ها و تعامل با افکار متضاد توسط نیروی استدلال و اندیشه است. فضای آزاد علمی، به دور از تعصب‌های خودمحرورانه سبب شده است جریان‌های نقادی و شکاکیت بیش از هر زمان دیگر مجال ظهور یابند.

جوامع اسلامی بر اساس باورها و اعتقادات اصیل، استعمار پذیر نیستند، بدین جهت افراد و گروه‌هایی که منافع خویش را در استعمار می‌بینند، در پی اضمحلال اعتقادات و اصول اسلامی ملتها هستند. شبهه‌افکنی و ایجاد تشکیک در مبانی و احکام عملی اسلام، از مهمترین حلقه‌های عملیاتی آنان برای انحراف جامعه اسلامی از صراط مستقیم و افتادن در ورطه گناهان بی‌پایان با توجیهاست. امام علی (ع) فرمودند: «بپرهیزید از افتادن در شبهات و آزمندی به شهوات؛ زیرا این دو امر، تو را به افتادن در حرام و ارتکاب بسیاری از گناهان می‌کشاند» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۱۴).

ایجاد و انتشار شبهه و پذیرش آن، معضلات و مشکلاتی را برای نسل حاضر، در عرصه اندیشه دینی و التزام عملی به قوانین شریعت ایجاد نموده است (بهمنی، ۱۴۰۰: ۲۳-۴۲). بیان نادرست، ناقص یا مبهم حقایق، بی‌توجهی به اقتضائات زمانی و مکانی و گفتن مسائل بدون در نظر گرفتن سطح دانش، فرهنگ و سن مخاطب از جمله عوامل بیرونی ایجاد شبهه است که در صورت مهیا بودن زمینه‌های وجودی و درونی، اعتقادات و باورهای سلیم انسان را در معرض آسیب نظری قرار داده، انحرافات فکری در فرد آغاز می‌گردد؛ ایجاد کردن شبهه به منزله‌ی به وجود آمدن نوعی جراحی و ناهنجاری در اذهان، نسبت به ادراک حقیقت است؛ زیرا هرگاه جراحی در پیکره‌ی اندیشه‌ی انسان پدید آید زمینه، برای دردها و رنج‌های روحی جبران‌ناپذیر دیگر فراهم می‌شود. امام علی (ع) دقیقاً به ماهیت پوشاندگی شبهه و تأثیر آن بر کاهش دید فهم اشاره نموده‌اند: «فَأَحْدَرِ الشُّبْهَةَ وَ اشْجَلْهَا عَلَى لُبْسَتِهَا؛ فَإِنَّ الْفِتْنَةَ طَالَمَا أَغْدَقَتْ جَلَابِيهَا، وَ أَغْشَتْ الْأَبْصَارَ ظِلْمَتِهَا»؛ از شبهه و اشتباه افکنی‌های آن بپرهیز؛ زیرا دیر زمانی است که فتنه، پرده‌های سیاه خود را گسترده و تاریکی آن، دیدگان را فرو پوشانده

است (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۵۶؛ محمدی ری شهری، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۶۸) از این رو، ضروری است علاوه بر تبیین دقیق مبانی شبهه گران، خاستگاه شبهه و شبهه پذیری نیز معلوم گردد. با یافتن عوامل و زمینه‌های ایجاد شبهه و شبهه پذیری می‌توان علاوه بر دفاع با ارائه‌ی گزاره‌های شناختی و استدلالی، بنیاد شبهه‌پذیری و طرق گسترش شبهه را متزلزل و فرو ریخت و گام موثری در پیشگیری از ابتلا به شبهات انحرافی برداشت. نکته کلیدی دیگر این است که فرد مبتلا به شبهه اعم از شبهه‌گر یا حامل شبهه که در اثر غفلت یا فقر شناختی دچار چنین معضلی شده است، در موقعیتی است که باورها و حقایق را آماج آسیب نظری قرار داده و آنها را مخدوش می‌کند. طرد این افراد نه تنها رافع مشکل نیست بلکه موجب ایجاد جبهه مخالف خواهد گردید؛ بنابراین تأکید بر این است که سامان دادن تعاملی سازنده و مؤثر با آنان همان‌قدر ضرورت دارد که تدارک پاسخ‌های استدلالی و علمی. تعامل با فرد دارای شبهه به مثابه‌ی تعامل پزشک با بیمار است. پزشک بیمار دارای بیماری سرایت‌کننده شبهه؛ پزشکی دوار است که به درمان ذهن حیرت‌زا یا حیرت‌زده‌ی بیمار اقدام می‌کند و کسی که با هدف درمانگری نظری و سالم‌سازی حیطه‌ی شناختی مبتلایان به شبهه، به تعامل با آنان می‌پردازد، مسلماً نیازمند فهم و کشف منشاء بیماری و شبهه است.

پیشینه

درباره شبهه‌شناسی و مواجهه با آن مقالات متعددی نوشته شده، برای نمونه پایان‌نامه جمیله حسین پوردوکش با عنوان «روش‌شناسی شبهه در قرآن»، با بهره‌گیری از نص صریح قرآن ضمن بررسی مفهوم شبهه و بسترهای بروز آن، به شیوه‌های شبهه‌افکنی در قرآن پرداخته تا با شناخت هر چه بهتر این شیوه‌ها، راهکارهای مناسبی جهت مقابله با آنان اتخاذ گردد. کتاب «شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات»، اثر علی اصغر رضوانی، در موضوع شیعه و پاسخ به شبهاتی که به این مذهب می‌شود، تألیف شده است. در هر قسمت از کتاب، پس از بحث در مورد عنوان، سعی کرده به شبهه‌هایی که پیرامون آن موضوع مطرح شده‌اند، پاسخ دهد. کتاب «روش‌شناسی علم کلام» رضا برنجکار، نیز به شبهه و نحوه پاسخگویی به آن پرداخته است.

کیوان احسانی و سیدمجید نبوی در مقاله ارزشمند خود، «کتاب شناسی پاسخ به شبهات قرآنی» به شناخت منابعی که به شبهات قرآنی پاسخ داده‌اند؛ پرداخته است. شناخت این منابع مسلماً برای محققانی که در حوزه شبهات فعالیت می‌کنند ضروری و مهم است. کتاب‌ها در موضوعاتی چون: روش شناسی پاسخ به شبهات، پاسخ به شبهات و اشکالات مستشرقان و دائره‌المعارف لایدن، پاسخ به شبهات و اشکالات نواندیشان و پاسخ به اشکالات پیرامون وحی و غیره هستند؛ لکن هیچ‌یک از کتاب‌ها و مقالات حاضر به شناسایی خاستگاه شبهه به مثابه مبنای معرفتی مواجهه و مقابله با شبهه نپرداخته‌اند.

مفهومی شناسی

۱-۱. شبهه

شبهه از «شبه» گرفته شده و هنگامی به کار می‌رود که میان دو امر شباهت عینی یا معنوی باشد به گونه‌ای که تمایز دقیق آن دو مشخص نباشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ق: ۴۴۳؛ غزالی، ۱۳۵۱، ج ۲: ۲۱۴). ابن منظور شبهه را همان التباس می‌داند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۵۰۴) بدین صورت که بر قامت باطل لباس حق پوشانده شده است. مولای متقیان حضرت علی (ع) نیز فرموده‌اند: «وَ إِنَّمَا سُبِّتِ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ؛ شبهه را شبهه نام نهادند، بدین جهت که شبیه حق است (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ق: ۸۱). در قرآن کریم نیز به این شباهت اشاره شده است: «و آخر متشابهات» (آل عمران ۷) یا فرموده است: «تشابهت قلوبهم» یعنی از جهت گمراهی و ضلالت قلب‌های آن‌ها مشابه یکدیگر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ق: ۲۵۴).

شبهه از ترکیب حق و باطل ایجاد می‌شود و به مثابه نمودی معرفت‌شناسانه وارد سامانه معرفتی افراد می‌شود و اعتقادات و باورهای آنان را دچار آسیب و خدشه می‌کند، خواه شبهه از سوی شبهه‌گران با هدف مخدوش ساختن اعتقادات و ارزش‌ها صادر گردد و خواه به وسیله واسطه‌هایی نقل شود که خود در شکل‌دهی آن نقشی نداشته‌اند و مقصودشان پرسشگری است (بقره/۱۱۸؛ نساء/۱۵۷). برخی از فقیهان توریه را به همین جهت که موجب خلط حق و باطل می‌گردد، نوعی شبهه می‌دانند و حکم به عدم جواز آن داده‌اند. (فاضل یگانه، ۱۴۰۱: ۱۳۲۳) به طور خلاصه ویژگی‌های شبهه را می‌توان اینچنین برشمرد:

۱. شبهه، تشخیص افراد یا جوامع را در شناخت و تفکیک حق از باطل دچار مشکل می‌کند؛

۲. شبهه، موجب تردید و تزلزل در اندیشه یا رفتار فرد و جامعه می‌شود؛

۳. شبهه، سبب غفلت از حق، اختفای واقعیات و انحراف افکار عمومی از حقیقت می‌گردد؛

۴. شبهه بستری مناسب برای بروز و ظهور ناهنجاری‌های اجتماعی و هرج و مرج و ناامنی در جامعه است (علیزاده موسوی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲۲۰-۲۲۲)؛

۵. شبهه با پاسخ منطقی پایان نمی‌یابد، برای تخریب عقاید است و قصد تفهیم ندارد؛ از این رو همواره در صدد بیان، در قالبی جدید و عوام پسند است بدون آنکه دلیل منطقی برای اثبات نظر خود داشته باشد (علیزاده موسوی، ۱۳۹۵: ۱۹) کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی یکی از این نمونه‌ها است.

با توجه به آنچه گذشت، شبهه معمولاً در فضایی بیشترین رشد را دارد که پاسخگو ندارد و اگر پاسخگویی باشد فضا به گونه‌ای است که به آن توجه نمی‌شود، مانند پیام رسان‌های فضای مجازی؛ از این رو، وجود شبهه نه تنها نشان رشد و تحول مثبت اجتماعی و فکری نیست؛ بلکه با انگیزه پنهان کردن حق و وارونگی واقعیت صورت می‌پذیرد تا اندیشه‌ها و اعتقادات را به فساد بکشاند.

۲-۱. تفاوت شبهه و شک

تحلیل تفاوت و افتراق میان شبهه و شک، دارای اهمیت ویژه است؛ زیرا یکی منتهی به یقین و دیگری منتهی به تردید و تزلزل می‌گردد. شک و شبهه ارتباط معنایی دارند لکن مساوق هم نیستند و در برخی موارد مابین نیز هستند. معنای اصلی شک در لغت تداخل است (ابن فارس، ۱۳۸۷: ۵۰۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۶: ۱۰۵). لغت پژوهان شک را نقطه مقابل یقین می‌دانند و بر همین مبنا آن را معنا کرده‌اند. ابن فارس می‌نویسد: «حالت شک هنگامی است که دو چیز بر انسان وارد شود و او در میان آن دو مردد است و یقین ندارد» (ابن فارس، ۱۳۸۷: ۵۰۲) بدین ترتیب شک حالتی در درون و روان انسان است که موجب عدم یقین در وی

می‌گردد؛ لکن شبهه به معنای تشابه میان دو یا چند چیز در نفس الامر است؛ اگر چه همراه با ایجاد حالت عدم تمیز در انسان است (برنجکار، ۱۳۹۱: ۱۹۱).

یکی از عوامل ایجاد شک می‌تواند وجود شبهه باشد، هنگامی که شخص در مواجهه با شبهه به دلیل ناتوانی ثبوتی یا اثباتی، قادر به پاسخگویی نباشد؛ چنانچه به پردازش شک خود اقدام کند و پاسخ مستدل آن را بیابد، شک رفع می‌گردد؛ لکن اگر فرد به پاسخ منطقی دست نیابد، شک وی تبدیل به شبهه می‌شود. پرسش در حالت شک با هدف کسب دانایی بسیار مفید است: «السؤال: استدعاء معرفة، أو ما يؤدي إلى المعرفة»؛ سؤال درخواست معرفت (شناخت) یا چیزی است که منجر به شناخت می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ق: ۲۲۴) لکن به کار بردن جملات استفهامی برای انکار ابطالی، انکار توییخی، تسویه، تقریر، تهکم، تعجب، أمر و استبطاء که صرفاً سؤال نیستند و در آنها پیام‌هایی ارائه می‌شود، می‌تواند کارکرد شبهه‌گرایانه یا پاسخ به شبهه را دربر داشته باشد.

برخی معتقدند افتراق دیگر شک و شبهه، آن است که بروز شک اغلب غیر اختیاری است؛ اما شبهه‌پذیری یا شبهه‌افکنی امری اختیاری است که با ارائه استدلال‌های نادرست به منظور حق جلوه دادن باطل و بالعکس صورت می‌گیرد (برنجکار، ۱۳۹۱: ۱۹۳) در روایت امام علی (ع) نیز شک و شبهه، قسیم یکدیگر قرار گرفته‌اند: «بنی الکفر علی اربع دعائم: الفسق والغلو والشک والشبهة...» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۳۹۳).

در نهایت می‌توان گفت شک در صورتی که با پرسش همراه گردد و مراد از پرسش توسعه‌ی درک حقیقت باشد، منتهی به شبهه نمی‌گردد. رابطه مفهوم سؤال، شبهه و شک، عموم و خصوص من وجه است؛ زیرا همه شبهات در قالب خبری نیستند و برخی قالب سؤالی دارند. پرسش‌ها نیز همیشه همراه شک یا دربردارنده‌ی شبهه نیستند.

نکته قابل توجه این است که میان دانش، پرسش، شک و شبهه ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. افرادی که بیشتر می‌دانند، بهتر می‌پرسند. (غروی نائینی و ایضی شلمانی، ۱۳۸۷: ۸۸) و با دانش بیشتر قادرند، دقیق‌تر شبهات را سامان داده و پاسخ دهند.

۳-۱. شبهه‌گر

القاء کننده شبهه، فردی که پیام خود را از طریق ترکیب حق و باطل به مخاطب

می‌رساند تا حقیقت یا واقعیت را در مقام اثبات در ذهن مخاطب مخدوش سازد (سعید بهمنی، ۱۳۹۴: ۲۸)؛ «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ..» (آل عمران: ۷/۳) کسانی که انحراف از حق به سوی باطل دارند، به دنبال متشابهات قرآن هستند برای فتنه‌انگیزی و گمراه کردن مردم (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، ج ۱: ۲۶۴).

۴-۱. شبهه‌پذیر

اشخاصی که به دلیل محدودیت در فهم یا فقر شناختی و علمی، قدرت تمیز حق از باطل را ندارند، شبهات بر نفس آنان تأثیر جدی دارد (سعید بهمنی، ۱۳۹۴: ۲۸). یکی از شیوه‌های راهبردی شبهه‌گران در طول تاریخ، «شبهه‌سازی» و «شبهه افکنی» با استفاده از جهل و سطحی‌نگری مردم بوده‌است. مشرکان عصر پیامبر (ص) به مردم می‌گفتند، محمد مجنون است، با اجنه در ارتباط است و آیات را از آنها فرامی‌گیرد. برای القاء این مطلب که قرآن وحی الهی نیست و القائنات شیطانی است! قرآن با معرفت‌افزایی در صدد پاسخ به شبهات موهوم آنان است، پس می‌فرماید: «وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ؛ وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ، إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعَزُونَ» (شعراء/ ۲۱۰-۲۱۲-۱۹۲).

دشمنان در عصر امیر مؤمنان (ع) و امامان معصوم (ع) توانستند با مخفی نگاه داشتن حق و ترویج اطلاعات نادرست، بسیاری از مردم را نسبت به آن بزرگواران دچار شبهه نمایند. شبهه‌پذیری مردم نیز موجبات انزوا و شهادت آن بزرگواران را فراهم آورد درحالی که وجودشان، لطف الهی و منشاء نزول نعمات برای مردمان بود.

۲. خاستگاه‌های درونی شبهه و شبهه‌پذیری (علل وجودی شبهه)

به نظر می‌رسد که شبهه خاستگاهی بیرونی دارد و همیشه عواملی با اهداف و اغراض پلید دست اندر کار ایجاد شبهه‌اند، درحالی که مستندات دینی بیانگر این حقیقت است که شبهه‌سازی و شبهه‌پذیری در گام نخست مبتنی بر ویژگی‌های وجودی افراد است. شبهات، بدفهمی‌هایی هستند که یا تبدیل به عقایدی شده‌اند که با ذهن و روح انسان‌ها در ارتباطند و زمینه انحراف از معیار و صراط مستقیم را فراهم می‌آورند یا تبدیل به شک شده و آرامش و آسایش را از فرد سلب می‌کنند.

حضرت علی (ع) در کلامی جامع، به خاستگاه‌های درونی شبهه اشاره می‌کند: «وَالشُّبُهَةُ عَلَىٰ أَرْبَعِ شُعَبٍ: إِحْبَابِ الزَّيْنَةِ وَتَسْوِيلِ النَّفْسِ وَتَأْوُلِ الْعُوجِ وَ لَبْسِ الْحَقِّ بِالْبَاطِلِ وَ ذَلِكَ بِأَنَّ الزَّيْنَةَ تَصْدِفُ عَنِ الْبَيِّنَةِ وَ أَنَّ تَسْوِيلَ النَّفْسِ يُقْجِمُ عَلَى الشَّهْوَةِ وَ أَنَّ الْعُوجَ يَمِيلُ بِصَاحِبِهِ مَيْلًا عَظِيمًا وَ أَنَّ اللَّبْسَ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ فَذَلِكَ الْكُفْرُ وَ دَعَائِمُهُ وَ شُعْبَةُ؛ و شبهه چهار شعبه دارد، شیفنگی نسبت به دنیا، توجیه و زیباسازی گناه توسط نفس، تاویل گرای و توجیه گرائی دربارهٔ کجی‌ها و بدی‌ها، پوشانیدن لباس حق بر باطل و این برای آنست که زینت‌گرایی (دنیاطلبی) انسان را از دلیل‌گرایی باز می‌دارد و تسویل النفس موجب فرو رفتن در شهوات می‌گردد و عوج‌گرایی، صاحب خود را به انحراف بزرگی بکشاند و آمیختن حق با باطل تاریکی‌هایی است که روی هم انباشته می‌شود. اینست کفر و ستون‌ها و شعبه‌های آن (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴: ۱۰۷) روایت چهار خاستگاه شبهه را بیان می‌کند. گرچه هر کدام از این خاستگاه‌ها وابسته به نفس و ارادهٔ انسان است؛ اما سه خاستگاه اول ارتباط موثرتری با نفس انسان دارند و نقش نفس مسوله را به خوبی تبیین می‌نماید.

۱-۲. دنیازدگی

منظور از دنیازدگی، علاقه و التذاذ از دنیا به جهت خواهش نفس است، نه برای استفاد آن، جهت کسب عزت دنیا و آخرت. این گونه علاقه، منجر به وابستگی می‌گردد و منشأ بسیاری از صفات خبیثه از جمله شبهه‌سازی و شبهه‌پذیری است (نراقی، ۱۳۸۸: ۳۲۰). شبهه‌ی قارون نمونه روشنی از شبهه، ناشی از دنیازدگی است. قارون با داشتن ثروت بسیار، گمان می‌کرد که تنها فاعل و علت کسب این ثروت، فقط خودش است؛ لذا توحید افعالی خداوند را انکار کرد و مدعی شد آنچه به دست آورده دستاورد علم و آگاهی اوست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۷۲). شبهه اول قارون، اخذ ما بالعرض به جای مابالذات بود. قارون با این شبهه، اقدام به نمایشی با شکوه از اموال خود نمود: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ» (قصص/۲۸-۷۹) تفاخر با اموال، که تقریباً به صورت یک جنون عمومی در همه ثروتمندان مغرور وجود دارد و مردم ساده‌بین را در حیرت فرو برد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۷۳). این نمایش، برخی مردم ظاهرین را که آرزومند زندگی دنیایی بودند تحت تأثیر قرار داد؛ بنابراین کسانی که طالب دنیا بودند شبهه در وجودشان جان گرفت. شبهه‌ای مبنی بر اینکه خداوند هر کس

را دوست بدارد به او ثروت می‌بخشد؛ پس داشته و دارایی قارون را تمنا کردند: «قَالَ الدِّينُ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَكُنُوزٌ عَظِيمٌ» (قصص/۲۸-۷۹).

نتیجه دنیاطلبی افراطی این است که فرد دنیازده از منظر انکار و تردید به گزاره‌هایی دینی مشتمل بر بی‌توجهی به دنیا می‌نگرد، بنابراین به راحتی پذیرای شبهات مشتمل بر هر نوع طرد دنیا می‌گردد. امام علی (ع) نیز اولین واقعت ابتلا به شبهه را دنیازدگی برشمرده و فرموده‌اند: «إِعْجَابٌ بِالزَّيْنَةِ، وَ تَسْوِيلُ النَّفْسِ، وَ تَأْوُلُ الْعُوجِ، وَ لَبْسُ الْحَقِّ بِالْبَاطِلِ»؛ شبهه چهار شاخه دارد؛ دل باختن در برابر آراستگی، وسوسه نفس، توجیه کردن کجی‌ها، و آمیختن حق به باطل» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴: ۱۰۷).

نکته قابل تأملی در این باب از امام خمینی (ره) در کتاب شریف اربعین حدیث وجود دارد، مبنی بر اینکه چگونه دنیاطلبی می‌تواند گرایش فطری انسان به کمال را با شبهه همراه کند. امام فرمودند، کسی که جمال دنیا در چشمش زینت یافته است چون توجه فطری و عشق ذاتی، متعلق به کمال مطلق است و سایر تعلقات عرضی است؛ برای این شخص خطا در تطبیق رخ می‌دهد؛ بنابراین هر قدر از مال و ثروت دنیا بیشتر کسب می‌کند یا در اختیار داشته باشد، اشتیاقش به دنیا بیشتر می‌گردد و این اشتیاق مفرط خاستگاه شبهات بسیار دیگری می‌گردد. از جمله برخی از این افراد هنگام مرگ با این شبهه که خداوند باعث جدایی آنان از دنیا و ثروتشان است نسبت به خداوند، خشمگین هستند: «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ» (ق/۱۹)؛ در سكرات مرگ حقیقت برای او مکشوف می‌شود، حقیقتی که از آن می‌گریخت پس نسبت به خداوند مهربان دشمنی می‌ورزد که با مرگ، وی را از دنیای محبوبش جدا می‌سازد. (خمینی ره، ۱۳۷۱: ۱۲۷ - ۱۲۴) به همین دلیل شبهه ممکن است از علل کفر گردد (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴: ۱۰۷).

۲-۲. نفس مسووله

دانشمندان علم اخلاق در بیان انواع نفس به دو نفس مسووله و اماره اشاره نموده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۶) که آدمی را به انحراف از مسیر حق سوق می‌دهند. نفس مسووله متفاوت از نفس اماره است، انسان نفس اماره را تا حدودی می‌شناسد. نفس اماره، انسان را امر به گناه می‌کند، به همین جهت انسان چون می‌داند آنچه را مرتکب شده گناه است؛ مادامی

که از کسوت انسانی خارج نشده باشد یا توبه می‌کند یا در اندیشه توبه است؛ اما نفس مسوله با ایجاد شبهه انسان را مبتلا به گناه می‌کند، بدین ترتیب که از ابتدا انسان را به زشتی و گناه امر نمی‌کند؛ بلکه به زشتی‌ها جامه زیبایی می‌دهد (لَبَسَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ) و زمینه را برای انحراف به باطل فراهم می‌سازد.

واژه «تسویل» مصدر «سول» به معنای جلوه دادن چیزی است که نفس آدمی بر آن حریص است، به گونه‌ای که نه تنها زشتی‌اش پوشیده گردد؛ بلکه زیبا به نظر رسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۳۷) این منظور نیز تسویل را به معنی تزئین دانسته «سَوَّلْتُ لَهُ نَفْسَهُ كَذَا، زَيَّنْتُهُ لَهُ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱: ۳۵۰) نفس او چیزی را برایش تسویل نمود؛ یعنی آن چیز را برایش زیبا جلوه داد: «التسویل: تحسین الشيء و تزيينه و تحبيبه إلى الإنسان ليفعله أو يقوله» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱: ۳۵۰)؛ بنابراین، تسویل به معنای زیبا جلوه دادن زشتی‌ها است که البته با نوعی شبهه و فریب همراه است. این نوع شبهه، شبهه‌ای است که به واسطه «لَبَسَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ» طبق بیان مولا ایجاد می‌شود (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴: ۱۰۷).

نفس مسوله هر فرد، خصوصیات روانی وی را شناسایی می‌کند و می‌داند مطلوب نزد هر فرد چیست. پس درمی‌یابد که هر فردی را از چه راهی باید به دام اندازد، نفس مسوله با این اطلاعات، بدی‌ها و کژی‌ها را با لباسی که مطلوب هر شخص است می‌پوشاند و تمام پلیدی‌ها را زیر آن لباس پنهان می‌کند؛ بنابراین امر بر فرد مشتبه شده و زشتی را زیبایی و پلیدی را پاکی می‌پندارد، در این مرحله شبهه شکل می‌گیرد و شخص بدون توجه به آن، به راحتی خطا می‌کند و با این گمان که فعل و فکرش صحیح است در صدد اصلاح و جبران نیز نیست (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۸) تصمیم برادران یوسف مبنی بر انداختن او به چاه، این قسم از شبهه بود. کشتن یوسف در نزدشان نادرست بود اما انداختن او در چاه را حق خود دانسته و صحیح برمی‌شمردند: «قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَالْقَوْهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ» (یوسف/۱۰) حضرت یعقوب (ع) هم به آنان فرمود: «...قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا.» (یوسف/۱۸) نفس مسوله (شما را مبتلا به این شبهه کرد که) به چاه انداختن برادران رفتاری صحیح است.

سامری نیز در پاسخ به حضرت موسی (ع) برای ترویج گوساله پرستی در سوره طه آیه

۹۶ اعتراف می‌کند که نفسش با تزئین گناه موجب شده دچار شبهه گردد و گوساله پرستی را جایگزین اعتقاد توحیدی نماید.

خداوند متعال می‌فرماید: «الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِبُونَ أَنََّّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»؛ (کهف/۱۰۴)؛ (زیانکارترین مردم) آن‌ها هستند که (عمر و) سعی‌شان در راه دنیای فانی تباه گردید و به خیال باطل می‌پنداشتند که نیکوکاری می‌کنند. خیال باطل همان شبهه ذهنی است که جایگزین حقیقت شده است؛ از این رو، مرتکب خطا بودند ولی می‌پنداشتند فعلشان صحیح است.

شناسایی نفس مسوله و نجات از تسویل آن آسان نیست. تشخیص این مسئله که در انجام هر امری اعم از افکار، گفتار و رفتار، حسن فعل و فاعلی در کنار هم جمع شده باشد، قدری دقیق است و نیاز به توجه دائمی دارد؛ حتی ممکن است فرد برای گریز از عذاب وجدان، خواسته یا ناخواسته، افعال و اعمال خود را اگرچه در دایره گناه باشد، توجیه کند و دچار شبهه گردد، آنچه را حق نیست حق و آنچه را باطل است حق پندارد (رک: جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۸-۱۱).

۳-۲. انحراف قلبی

همان‌گونه که در معنای لغوی شبهه آمد، آنچه حقیقت آن مشتبه و تشخیص دشوار باشد؛ شبهه نامیده می‌شود، بنا بر فرموده قرآن افراد منحرف، حقایقی را که فهم آن، دقت و تأمل لازم دارد انتخاب کرده و در غیر معنای اصلی بکار می‌برند تا در فهم قرآن شبهه ایجاد کنند. قرآن به این واقعیت اشاره کرده و فرموده است: «او است خدایی که قرآن را بر تو نازل کرد، برخی از آن آیات محکم است و برخی دیگر متشابه است، و آنان که در دلشان انحراف و گرایش به بدی است به دنبال آیات متشابه می‌روند تا با تأویل کردن آن، در دین راه شبهه و فتنه‌گری پدید آرند، در صورتی که تأویل آن را کسی جز خداوند و اهل دانش نمی‌دانند؛ گویند: ما به همه کتاب گرویدیم که از جانب پروردگار ما آمده، و به این (دانش) تنها خردمندان آگاهند» (آل عمران/۷) و در آیه دیگری در معرفی این افراد آمده است «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ؛ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ؛ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ» (بقره/۱۰-۱۲)؛ در دل آنان بیماری است،

پس خداوند بر بیماری‌شان افزود، و برای آنان در برابر آنچه همواره دروغ می‌گفتند، عذاب‌ی دردناک است و چون به آنان گویند: در زمین فساد نکنید، می‌گویند: فقط ما اصلاح‌گر هستیم. آگاه باشید! یقیناً خود آنان فساد‌گرند؛ ولی درک نمی‌کنند. سخن امیرالمؤمنین (ع) نیز این واقعیت را تبیین می‌نماید: «وَ اخذُوا الشُّبُهَةَ فَإِنَّهَا وُضِعَتْ لِلْقَثَةِ»؛ از شبهه دوری کنید؛ زیرا شبهه به قصد فتنه و گمراه‌سازی ساخته شده است (حرّانی، ۱۳۶۳: ۱۵۵).

نمونه دیگری از شبهه‌گری بیماردلان ایجاد شبهه برای انکار معاد است تا بی‌دغدغه گناه کنند و کسی آنها را مؤاخذ نکند: «أَيُحْسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ * بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ * بَلَىٰ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ» (قیامت/۳-۵)؛ آیا انسان می‌پندارد که ما دیگر ابداً استخوانهای (پوسیده) او را باز جمع نمی‌کنیم؟ آری ما قادریم که سرانگشتان او را هم درست کنیم. بلکه انسان می‌خواهد مادام‌العمر گناه کن. این افراد به بیان قرآن به خاطر جهل مبتلا به شبهه وجود یا عدم وجود معاد نیستند؛ بلکه بیماردلی و علاقه به گناه، آن‌ها را دچار شبهه نموده است؛ از این رو، با تشکیک و تبعّد در زندگی پس از مرگ، آن‌ها را انکار می‌کنند تا به آسودگی گناه کنند و از پاسخگویی در امان باشند.

۴-۲. فقر معرفتی

برخورداری از علم و حقیقت، سد محکمی در برابر ورود شک و شبهه و زایل‌کننده آنها است و در مقابل زمین جهل، کشتگاه شبهات و انحرافات فکری است. عدم استحکام و اتقان عقاید فرد، التزام به باورهای خرافی و موهوم، تقلیدی و موروثی بودن باورها، عدم اتکای اعتقادات به استدلال و براهین معتبر، مستودع و عاریتی بودن ایمان به جای استقرار متکی به معارف، زمینه را برای شکل‌گیری و پذیرش شبهات اعتقادی که مهمترین شبهات هدف‌گذاری شده هستند، فراهم می‌کند (محمدی، ۱۳۹۰: ۲۷).

ابلیس برای اطاعت نکردن از فرمان خدا در سجده بر آدم (ع)، استدلالی را طرح کرد که ناشی از مشکل شناختی است او ملاک برتری را در جنس می‌داند نه عملکرد افراد، با این داده نادرست، در برابر خداوند برای اثبات برتری خود به مقایسه ماده‌ی آفرینش خود و انسان می‌پردازد؛ در حالی که به مخلوق بودن خود و انسان اذعان دارد: «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ * قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ

أَمْزُتْكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (اعراف/۱۱-۱۲) البته برخی مفسرین معتقدند که ابلیس مشکلات شناختی دیگری نیز داشت که زمینه‌ساز ایجاد شبهه در او شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۰۰).

ضعف بنیان‌های فکری، نداشتن زیرکی و تیزهوشی، ساده‌اندیشی، فقدان روحیه علمی و نقادانه، عوامل تأثیرپذیری انسان از شبهه‌اند. امام صادق (ع) فرمودند: «الْعَالِمُ بِرَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْوَابِسُ»؛ کسی که به اوضاع زمانش آگاه باشد شبهات بر او هجوم نیاورد (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۲۶؛ حرّانی، ۱۳۶۳: ۳۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸: ۳۰۷).

داشتن اطلاعات علمی و دینی کافی به انسان توانایی تشخیص دام شبهه را می‌دهد و وی را از ابتلا به آن مصون می‌دارد. وسوسه‌های نفسانی و شیطانی در انسانی که اهل تفقه و ژرف‌اندیشی در دین نباشد، مؤثرتر است چرا که دلیلی عقلی و علمی برای نپذیرفتن شبهه ندارد؛ پس به آسانی گرفتار شک و سپس شبهه می‌گردد و تا تحقیق و تفحص علمی انجام نپذیرد در گمراهی شبهه باقی خواهد ماند. امام علی (ع) به شخصی مبتلا به شک در قرآن، دستور دادند که فهم خود از دین را در نزد علما کامل نماید: «أَنَّ رَجُلًا أَتَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي قَدْ شَكَّكْتُ فِي كِتَابِ اللَّهِ الْمُنَزَّلِ قَالَ لَهُ عَلِيُّ ع تَكَلِّتْكَ أُمُّكَ إِلَى أَنْ قَالَ ع فَيَأْتِيَاكَ أَنْ تُفَسِّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِكَ حَتَّى تَفْقَهُهُ عَنِ الْعُلَمَاءِ» (صدوق، ۱۳۵۷: ۲۶۴) روایات مولا بیانگر این حقیقت است که توسعه علمی نه تنها موجب پیشگیری از ابتلا به شبهه و سردرگمی و تحیر در آن است بلکه پس از ایجاد شبهه نیز با تفقه و مطالعه و فهم حقیقت می‌توان از دام شبهه رها شد.

۳. خاستگاه بیرونی شبهه (علل ثبوتی و عناصر شبهه پردازان)

عقاید و باورهای انسان مبنای معرفتی تصمیمات و عملکرد وی در زندگی هستند. همچنان که عوامل وجودی متعددی بر این افکار تأثیر گذاشته، در شکل‌گیری تصمیم‌های وی مؤثر هستند؛ عوامل تأثیرگذار خارجی نیز نقش مهمی در اراده و تصمیم انسان دارند. وسوسه‌های شیاطین جنی و انسی، بدعت‌گذاری‌های آشکار و پنهان در دین، عالمان گمراه و... از عوامل مؤثر بر تفکر و باورهای انسان هستند.

خاستگاه بیرونی شبهه را می‌توان در دو گروه کلی دسته‌بندی نمود. کسانی که گمراه

و اسیر شبهات‌اند و گاهی نادانسته عامل گسترش شبهات مبتلا به آن هستند. گروه دوم کسانی که حق و باطل را می‌شناسند؛ لکن برای حفظ منافع یا استعمار دیگران در حوزه‌های گوناگون، شبهه‌سازی می‌کنند. تمسک این گروه به شبهه با وجود افراد کم معرفت و بی بصیرت ممکن می‌گردد.

۱-۳. ابلیس

ابلیس، دشمن قسم خورده انسان، نخستین عامل بیرونی است که نقش مهمی در گمراهی انسان دارد. او به عزت پروردگار قسم خورده که انسان را فریب دهد: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (ص/۸۲) و پس از مهلت یافتن اولین شبهه‌گری خویش را با ایجاد تردید مبنی بر تزئین زشتی و گناه بیان می‌دارد: «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (حجر/۳۹). در قرآن کریم اشاره شده است که ابلیس تأکید نموده از مقابل و پشت انسان و از جانب راست و چپ به سمت او می‌آید و برای گمراه ساختن او تلاش می‌کند (اعراف/۱۷). در روایتی از امام باقر (ع) از سمت راست آمدن شیطان در این آیه چنین معنا شده است: «وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ أَفْسِدُ عَلَيْهِمْ أَمْرَ دِينِهِمْ بِتَزْيِينِ الصَّلَاةِ وَتَحْسِينِ الشُّبُهَةِ»؛ معنای آمدن از سمت راست فساد در دین افراد، با زینت دادن گمراهی و نیکو شمردن شبهات در نظر ایشان است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۰: ۱۵۳).

نفس مسوله انسان با زینت دادن پلیدی‌ها، انسان را به ورطه شبهات می‌کشاند، ابلیس نیز گناه را در نظر انسان زیبا جلوه می‌دهد و زمینه تردید در زشتی یا خوبی گناه را فراهم می‌آورد. همسویی ابلیس با نفس مسوله روشن‌کننده این حقیقت است که ابلیس برای گمراهی انسان از نقاط ضعف استفاده می‌نماید و با تشدید آنها فرد را مبتلا به شبهه و قدرت تشخیص او را تضعیف می‌نماید.

۲-۳. بدعت

بی‌توجهی به اثرات مخرب بدعت در جامعه زمینه استحاله فرهنگی و اعتقادی را فراهم می‌آورد. بدعت در معنای لغوی احداث و اختراع چیزی است که نمونه و همانندی ندارد (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۵۴). راغب اصفهانی نیز می‌گوید: بدعت انشاء و آفرینی است که

بدون نمونه قبلی ایجاد گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۱۱۰). «بدیع» از همین ماده اشتقاق یافته، بدیع از اسمای الهی و به معنای ابداع و احداث اشیا از عدم است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۲: ۳۴۲).

بدعت در اصطلاح عبارت است از نوآوری و اختراع در مسائل دینی بدون اصل و اساس دینی. بر این اساس، بدعت شامل نوآوری در عرصه‌های علوم تجربی و حوزه‌های غیردینی نمی‌گردد. همچنین هر گونه نوآوری در دین بدعت نیست. فتاوی جدیدی که فقیهان و مجتهدین در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با ابتنا بر منابع اصیل اسلامی صادر می‌کنند، مشمول بدعت نمی‌گردد؛ زیرا بر اساس کتاب، سنت و در پرتو عروض عناوین ثانوی و پیدایی موضوعات جدید در بستر زمان و مکان صادر می‌گردند. بدعت دینی در دو بستر شکل می‌گیرد:

۱. **تأویل:** تأویل عبارت است از استناد جستن به رأی، در فهم متون معتبر دینی. شیخ

انصاری (ره) می‌نویسد:

مقصود از رأی، احتمال عقلی ظنی است که بر استحسان مبتنی است (انصاری، ۱۴۱۶ ق: ۳۵)؛ به عبارت دیگر تکیه بر فکر خویش در استنباط احکام شرعی است (شرف الدین، ۱۴۳۱ ق: ۴۳). روایات متعددی بر ممنوعیت اتکا به رأی تأکید می‌کند. از جمله امام ششم به قتاده می‌فرماید: «ای قتاده! اگر قرآن را از پیش خود و بر پایه رأی خویش تفسیر کنی، هم هلاک شده‌ای و هم هلاک کرده‌ای و اگر قرآن را بر مبنای رأی دیگران تفسیر می‌نمایی نیز هلاک شده و هلاک می‌کنی» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸: ۳۱۱) و در جای دیگری فرموده‌اند: «مردم در فهم الفاظ متشابه قرآن دچار هلاکت می‌گردند؛ زیرا در معنای آن تفقه نمی‌کنند و حقیقت آن را در نمی‌یابند؛ بنابراین از پیش خود تأویل می‌کنند و بر اساس آرای خود استنباط می‌کنند و بدین وسیله خود را از پرسش از اوصیا بی‌نیاز می‌بینند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۰: ۱۲).

۲. **مصلحت اندیشی:** مصلحت اندیشی، دخالت دادن منافع مطابق با عقل بشری

است در وضع احکام و مقررات شرعی، به این معنی که بدون آن که نص یا دلیلی عمومی بر وجود حکم شرعی دلالت کند، با تشخیص مصلحت، حکمی به نام شرع وضع گردد؛ به

عقیده شیعه امامیه، مصلحت هیچگونه رابطه استنادی با احکام شرع ندارد و نمی‌تواند مبنای جعل حکم باشد.^۱

بدعت در نزد عامه نیز با افزودن به دین و فروکاستن از دین است. مانند آداب و رسومی که در طول زمان به نام دین در افواه مردم منتشر شده و هیچ مبنایی در دین ندارند. بدعت به هر شکل و به هر صورت از بزرگترین عوامل انحراف از دین و ایجاد شبهه در حقایق دینی است؛ زیرا باطل جایگزین حق می‌گردد. خداوند درباره تصرف و تحریف در احکام الهی و بدعت در شریعت می‌فرماید: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِثْلَهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ» (یونس/۵۹) بگو: به من خبر دهید، آنچه از روزی که خدا بر شما فرود آورده [چرا] بخشی از آن را حرام و [بخشی را] حلال گردانیده‌اید؟ بگو: آیا خدا به شما اجازه داده یا بر خدا دروغ می‌بندید؟

امام علی (ع) بدعت‌گذاران را بدترین خلاق برشمرده‌اند که زمینه شبهه و گمراهی دیگران را فراهم می‌آورد: «مغیوض‌ترین افراد نزد خدا دو گروهند: مردی که خدا او را به خود وانهاد و او از راه راست به دور افتاده، دل او شیفته بدعت است و مردمان را نیز دچار ضلالت می‌کند. دیگران را به فتنه در اندازد و راه رستگاری پیشینیان را به روی خود مسدود می‌سازد. در مرگ و زندگی گمراه‌کننده پیروان خویش است و برگیرنده بار گناه دیگران و خود گناهان خویش را پایبندان» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷: ۱۸).

همان گونه که قرآن کریم می‌فرماید این عده علاوه بر گناهان خود، سنگینی بار خطای دیگران را هم بر دوش دارند. این گروه با بدعت‌گذاری در دین خدا، تابعین و یاران خود را دچار شبهه می‌کنند به نحوی که امر بر ایشان مشتبه می‌گردد که حق کدام است و باطل چیست؟ بنابراین گناه ضلالت و گمراهی این گروه نیز بر دوش کسانی است که زمینه شبهه را فراهم نموده‌اند. امام صادق (ع) نیز فرموده‌اند: «إِنَّ الْكُذَّابَ يَهْلِكُ بِالْبَيِّنَاتِ وَ يَهْلِكُ أَتْبَاعُهُ بِالشُّبُهَاتِ» (کلینی، ۱۳۶۳: باب دوم: ۳۳۸) دروغگو با دلیل هلاک می‌شود و تابعین او با پیروی از شبهات.

۱. برای دیدن بحث تفصیلی پیرامون این نظریه رجوع کنید به مقاله «جایگاه مصلحت در شریعت»، مجموعه مقالات کنگره امام و اندیشه حکومت اسلامی، ج ۳۷۰/۷.

۳-۳. جاهلان عالم نما

خداوند متعال چهار عهد از دانشمندان گرفته است، آنان ملتزم هستند این عهد را در حیات علمی خود به جا آورند. طبق بیان امام محمد باقر (ع) عهد عبارتند از: «اگر دانشمندان نصیحت را پنهان دارند، خیانت کرده اند. اگر سرگشته گمراهی را دیدند و او را راهنمایی نکردند یا (دل) مرده ای را زنده نمودند، عمل ایشان زشت و ناپسند است! چون خداوند تبارک و تعالی در قرآن، از ایشان پیمان گرفته است، به معروف و آنچه فرمان یافته اند فرمان دهند و از آنچه نهی شده اند نهی کنند و بر نیکوکاری و پرهیزکاری یکدیگر را یاری دهند و در گناه و ستم یکدیگر را یاری نکنند» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۸: ۵۴).

هنگامی که عالمان وظایف خود را به درستی انجام ندهند، جاهلان عالم نما جای آنها را در جامعه می گیرند. آنان کسانی هستند که برای کسب مقام، ثروت و اعتبارات دنیوی با آنکه از کمی علم و جهل گسترده خویش اطلاع دارند، با استفاده از عبارات و کلمات پرطمطراق، معلومات اندک خود را بزرگ جلوه داده و خود را در زمره عالمان قرار می دهند. حضرت علی (ع) می فرماید این افراد نه تنها دانا و دانشمند نیستند، بلکه مجموعه ای از نادانی جاهلان و گمراهی گمراهان را فراهم آورده اند، گفته ها و ادعاهای ایشان، دام های نیرنگ و دروغ است؛ داده های قرآن را بر آراء خود تطبیق می دهند و حق را با هوس های خویش تعبیر می کنند؛ خیال مردم را از بلاهای عظیم رستخیز آسوده می سازند و گناهان بزرگ را کوچک و حقیر جلوه می دهند؛ مدعی اند که از ارتکاب شبهات می پرهیزند، اما در آن غوطه ورنند؛ مدعی اند از بدعت ها برکنارند، ولی به واقع در آنها آرمیده اند؛ صورت ایشان صورت انسان است، اما قلب حیوانی دارند؛ راه رستگاری را نمی شناسد تا در آن گام بردارند و راه گمراهی را نیز تا از آن دوری نمایند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷).

برخی مردم ساده اندیش یا غیر متخصص نیز نا آگاهانه به این افراد اعتماد می کنند و سخنانشان را مؤثق و معتبر برمی شمردند و در اشکالات اعتقادی به آنها مراجعه می نمایند و به سخنان نادرست آنان اعتماد می کنند، درحالی که این جاهلان خود در تار شبهات گرفتارند و با ارائه داده های نادرست، بر شبهات دیگران می افزایند. «فَهُوَ مِنْ لُبْسِ الشُّبُهَاتِ فِي مِثْلِ نُسُجِ الْعُنْكَبُوتِ لَا يَدْرِي أَصَابَ أَمْ أَخْطَأَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷: ۵۹). حضرت علی (ع) می فرماید در میان راویان احادیث نیز این گروه جاهل وجود دارند که حتی اگر تعدد بر کذب نداشته

باشند؛ اما به جهت کم اطلاعی از محتوا و حقیقت دین، کلامشان نادرست است و اعتماد به این گروه از افراد موجب گرفتاری در شبهات می‌گردد.

۴-۳. سردمداران حکومت‌ها

شبهه سازی، جنگ نرم حکومت‌های سلطه طلب بر علیه حکومت‌هایی است که خواهان آزادی و استقلال هستند. آنان برای تداوم، غارت و چپاول، در صدد استعمار فرهنگی ملت‌ها برمی‌آیند تا آنان مختارانه تسلیم شوند و بهترین گزینه برای دور شدن از فرهنگ خودی، ایجاد شبهه و در نتیجه تردید در صحت مبانی و مناسک آن، سپس جایگزینی باورهای نادرست تزئین شده به جای آن است. یک نمونه از این شبهه افکنی‌ها عملیات روانی عمروعاص در جنگ صفین بود. هنگامی که عمار یاسر در صف یاران امام وارد میدان مبارزه شد، مردمی که حدیث پیامبر (ص) را در مورد عمار شنیده بودند، در جنگ با حضرت علی (ع) دچار شک و تردید شدند. معاویه که نمی‌توانست روایت پیامبر (ص) را انکار کند، از طرفی هم سربازان دچار شک و تردید و فروپاشی شده بودند، برای گمراه کردن جنگاوران شبهه سازی کرد و گفت کسی که عمار را به جنگ آورده، قاتل اوست. با ایجاد این شبهه توانست حق و باطل را درهم آمیزد و افراد شبهه‌پذیر را از حقیقت، هر چند موقت دور نماید.

۵-۳. جاهلان بی بصیرت

ضعف بنیه اعتقادی و معرفتی جامعه، بدفهمی خواص و نخبگان جامعه در حوزه عقاید و سایر معارف دینی یکی دیگر از خواستگاه‌های ایجاد و رواج شبهه در جامعه است. این افراد در مورد مطالبی جدال می‌کنند که معلومات یا برداشت صحیحی از آن ندارند؛ به عبارت دیگر تهی از دانش مورد نظر هستند و با پیروی ناآگاهانه از شیطان به القای شبهات می‌پردازند.

قرآن مجید می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي الْمَلَّةِ بَغَيْرِ عِلْمٍ وَيتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ» (حج/۳)؛ و برخی از مردم درباره خدا بدون هیچ علمی مجادله می‌کنند و از هر شیطان

۱. «یا عمار تقتلك الفئة الباغية: عمار! تو را گروه باغی و ستم‌گر می‌کشند» (البانی، ۱۳۹۳: ۱۱-۲۲).

سرکشی پیروی می‌نمایند. خداوند در آیه دیگری متذکر می‌شود: «وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُبِينٍ» (ج/۸)؛ و از میان مردم، کسی است که درباره خدا بدون هیچ دانش و بی‌هیچ رهنمود و کتاب روشنی به مجادله می‌پردازد.

جاهلان بی‌بصیرت اغلب در نهاد خویش مبتلا به شبهه و تردیدند؛ اما به جهت خودآگاهی فرهنگی بیگانه در پی فهم درست و رفع شبهات فکری خود نیستند. بلکه تردیدها را چون گزاره‌های شناختی، طرح می‌نمایند که موجب تخریب اعتقادی می‌گردد. به تعبیر قرآن این افراد نادان، سرگردان و گمراه هستند: «مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هُوَ لَا إِلَى هُوَ لَا وَمَنْ يَضِلِّ اللَّهُ فَلَنْ يَجِدَ لَهُ سَبِيلًا» (نسا/۱۴۳)؛ آن‌ها افراد بی‌هدفی هستند که نه سوی اینها هستند، و نه سوی آنها. [در واقع، نه در صف مؤمنان قرار دارند و نه در صف کافران] و هر کس را خداوند گمراه کند، راهی برای [نجات] او نخواهی یافت.

اگر این جاهلان بی‌بصیرت از مسئولین و مدیران باشند از آنجا که شناخته شده‌تر هستند و قدرت اجرای افکار خویش در جامعه را دارند، انحرافات فکری و التقاطی آنان، شبهات بسیار بیشتری را در جامعه ایجاد می‌کند؛ به عنوان نمونه اگر کارگزاران و مسئولان رده‌های اول حکومتی یا میانی جامعه اسلامی دارای تفکرات سکولاریستی باشند، زمینه‌های شکل‌گیری انواع شبهه‌های سیاسی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌آورند.

افزون بر این، کردار نامناسب و خارج از عرف و مخالف شرع برخی از به ظاهر نجبگان، تعارض بین گفتار و رفتار آنها، کاهش تعامل معقول و منطقی خواص باتوده مردم، زمینه ساز جولان جاهلان بی‌بصیرت می‌گردد و شکل‌گیری و شیوع شبهه را تسریع می‌کند. قرآن با استفهام در صدد معرفی این افراد است تا جامعه دقت بیشتری بر تضاد رفتاری این اشخاص داشته باشد و تأثیر پذیری از آنان به حداقل کاهش یابد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف/۲).

۶-۳. منافقان

این افراد به دلیل دشمنی ذاتی با اسلام و حکومت اسلامی به ایجاد شبهه‌های فکری، دینی، سیاسی و اجتماعی می‌پردازند. مردم با توجه به اشتغالات روزمره و مطالعه اندک، کمتر می‌توانند شبهه را از حقیقت تشخیص دهند یا پاسخ آن را بیابند، بنابراین بعضی در شبهه

می‌مانند و برخی به سراغ متخصص می‌روند که باید منتظر پاسخگویی ایشان به شبهه باشند. بی‌تفاوتی و انتظار، بستر زمانی مناسبی است تا شبهه، در ابعادی گسترده شیوع یابد و تأثیر منفی خود را گذاشته و جامعه را آلوده سازد.

قرآن کریم با اشاره به گفتار و عمل شبهه‌آمیز منافقان می‌فرماید: «لَقَدْ ابْتَغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ» (توبه/۴۸)؛ در حقیقت پیش از این (نیز) در صدد فتنه‌جویی برآمدند و کارها را بر تو وارونه ساختند؛ تا حق آمد و امر خدا آشکار شد، درحالی که آنان ناخشنود بودند.

در آیه دیگری می‌فرماید اینها هیچ‌وقت خیرخواهی ندارند و اگر با شما به ظاهر همراهی نمایند برای ایجاد فتنه و شبهه بین شما مؤمنین است: «لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضَاعُوا خَلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ» (توبه/۴۷)؛ اگر این منافقین هم در میان شما مؤمنان بیرون می‌آمدند جز خیانت و مکر در سپاه شما چیزی نمی‌افزودند و هر چه می‌توانستند در کار شما اخلال و خرابی می‌کردند، برای شما از هر سو در جستجوی فتنه برمی‌آمدند و هم در میان لشکر شما از آنان جاسوس‌هایی وجود دارد و خدا به احوال ظالمان داناست.

منافقان بهر روی در تلاشند تا مردم را از مسیر درست منحرف ساخته، باطل را حق و حق را باطل نمایانند. چنانچه موقعیت ایجاب کند مسجد می‌سازند در حالی اهل نماز نیستند، برای اینکه حقایق را وارونه کنند. خداوند می‌فرماید: «و آنان (منافقان) که مسجدی برای زیان به اسلام برپا کردند و مقصودشان کفر و عناد و تفرقه کلمه بین مسلمین و ساختن کمینگاهی برای دشمنان دیرینه خدا و رسول بود و با این همه قسم‌های مؤکد یاد می‌کنند که ما جز قصد خیر غرضی نداریم، و خدا گواهی می‌دهد که محققا دروغ می‌گویند» (توبه/۱۰۷).

شایسته است انسان با افزایش اطلاعات و معارف خویش را واکسینه نماید و فریب شبهه‌گران را نخورد. امام صادق (ع) به سادگی حقیقت را بیان فرموده‌اند: «إِنَّ الْكُذَّابَ يَهْلِكُ بِالْبَيِّنَاتِ وَ يَهْلِكُ أَتْبَاعُهُ بِالشُّبُهَاتِ»؛ دروغگو با دلیل هلاک می‌شود و تابعین او با پیروی از شبهات (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۳۸).

۴. خاستگاه شبهه‌سازی شبهه‌گران (اهداف عناصر شبهه‌پرداز)

به عبارت دیگر علل رویکرد گروه‌های نام برده شده برای القاء شبهه در جامعه چیست؟ شبهه، حلقه‌ای از فرآیند کلی عملیات اضلال و گمراه سازی جامعه دینی است که توسط شبهه‌گران طراحی می‌گردد؛ بنابراین علل و انگیزه‌های متعددی دارد که در این قسمت مهمترین آن ذکر می‌گردد:

۴ - ۱. سلطه فرهنگی

فرهنگ زیربنای باورها و هنجارهای فردی و اجتماعی است، راهبردهای اقتصادی، اجتماعی و... در هر جامعه بر چارچوب فرهنگ استوار است و از آن تأثیر می‌پذیرد؛ از این رو، سلطه فرهنگی همراه است با سلطه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و... به عنوان نمونه برای کاهش فرزندآوری در ایران، دیده شد که چگونه از مولفه‌های فرهنگی استفاده شد و تأثیر آن به اندازه‌ای شد که کنون کشور با بحران جمعیتی مواجهه است.

قرآن در آیات متعددی تاکید می‌کند که هدف دشمنان، تغییر هویت فرهنگی و اعتقادی شماست. «... وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَزِدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا» (بقره/۲۱۷) و کافران پیوسته با شما مسلمین کارزار کنند تا آنکه اگر بتوانند شما را از دین خود برگردانند.

مقام معظم رهبری سال ۱۳۸۰ این حقیقت را تبیین نمودند که هدف دشمن تسخیر پایگاه‌های فرهنگی در کشورها است. آنان با این عملیات درصددند، باورهای اسلامی و انقلابی مردم را که اصلی‌ترین عامل ایستادگی ملت در برابر نظام سلطه‌ی استکبار است تغییر داده و باورهای متناسب با سلطه‌پذیری و فرودستی در برابر غرب را جایگزین نمایند. از این طریق قادرند بدون جنگ و خونریزی بر تمام کشورها استیلا یافته و منافع ملت‌ها را به راحتی به نفع خود مصادره نمایند. نخستین آماج این تهاجم، جوانان، قشر پویا و تاثیرگذار می‌باشد، به ویژه جوانانی که در جاده‌ی دانش و فرزاندگی قدم برمی‌دارند و آینده‌ی فرهنگی و سیاسی کشور در دست آنها رقم می‌خورد (بیانات در کنگره جامعه اسلامی دانشجویان در مشهد / ۱۳۸۰/۰۶/۱۰)

هدف شبهه‌گران اضمحلال عقاید دینی و اصیل از طریق شبهه‌سازی و ایجاد تردید در باورها و عقایدی است که اساس پایداری و استقلال ملت‌ها است. بدین جهت در قرآن کریم

تأکید می‌شود بر اینکه این گروه دوست شما نیستند، معاشرت دوستانه با آنان موجب می‌شود آرام آرام از دین خود فاصله بگیرید. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید کفار و اهل کتابی را که دین شما را به مسخره گرفته و بازیچه می‌پندارند، به دوستی نگیرید و از خدا پروا داشته باشید، اگر مردمی با ایمان هستید» (مائده/۵۷). «هزو» در معنای شوخی در غیاب فرد و «لعب» اعمالی است که بدون هدف و غرض صحیح انجام می‌شود. کفار و اهل کتاب دین مسلمانان را مسخره می‌کردند برای الغای این مطلب در اذهان مسلمین که دین شما بی‌ارزش است، هیچگونه فایده عقلایی و جدی در آن نیست. ولایت یعنی محبت و آمیزش با کفار که مستلزم امتزاج روحی و تصرف در شئون نفسانی و اجتماعی است (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۶: ۳۶). قرآن تبیین می‌نماید که چرا مؤمنین از دوستی با کسانی که معتقد نیستند، نهی شده‌اند؛ زیرا آنان از طریق دوستی ظاهری و ارتباط با شما در پی خاموش ساختن نور الهی و اسلام ناب در قلبهایتان هستند: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ» (توبه/۳۲)؛ می‌خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند.

۴ - ۲. سلطه اقتصادی و نظامی

بعد از جنگ جهانی دوم، استعمارگران مجبور شدند به کشورهای تحت سلطه خود، استقلال سیاسی دهند؛ زیرا حضور نیروهای نظامی بیگانه در مستعمره‌ها، بدبینی و مخالفت مردم آن کشورها را برمی‌انگیخت. دادن استقلال ظاهری سیاسی به کشورهای زیر سلطه، موجب می‌شد احساس نیاز به مبارزه در مردم از بین برود، درحالی که کشورهای استعمارگر با تغییر روابط سیاسی از حملهٔ هجومی به حملهٔ اعتقادی و شبهه افکنی، همچنان به سلطهٔ خود بر این کشورها ادامه دادند. یکی از بهترین روش‌های آنان برای مدیریت اعتقادی و جایگزینی اعتقادات و باورهای خویش در جوامع دیگر این است که اشخاصی را برای کسب قدرت در کشورهای به ظاهر مستقل، تربیت کنند، و با نفوذ در صاحب منصبان این کشورها، در تصمیم‌گیری‌های راهبردی مداخله نموده و قراردادها را به نفع خود تنظیم نمایند. برخی متصلبان قدرت نیز برای حفظ قدرت و جایگاه خود اهمیتی به شبهات فکری، اجتماعی، سیاسی و... که توسط این فراد در جامعه منتشر می‌گردد، نمی‌دهند و با حمایت خود، بستر مناسب را نیز فراهم می‌آورند.

۴ - ۳. انگیزه‌ها و اهداف حزبی

حُبّ و بغض‌ها و گرایش‌های حزبی و سیاسی یکی دیگر از علل رویکرد به این شیوه است. آنان می‌کوشند با شبهه‌سازی خود را موجه و رقیب را نالایق معرفی نمایند تا زمام اختیار در دست هم طیف ایشان باشد؛ غافل از اینکه در طول زمان ثمرات تلخ شبهه‌ها به کام دشمنان فرو می‌رود و نه تنها فایده‌ای بر آن مترتب نیست؛ بلکه زمینه‌های بی‌اعتمادی و رویگردانی مردم را نسبت به تمام احزاب فراهم می‌آورد. قرآن کریم به معرفی این افراد می‌پردازد: «مَنْ الْمُدِينِ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شَيْعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (روم/۳۲)؛ کسانی که دینشان را بخش بخش کردند و [سرانجام] گروه گروه شدند، درحالی که هر گروهی به آنچه [از بخشی از دین] نزد آنان است [به تصور اینکه حق است] شادمانند!

پروپاگاندا^۱ سیاه (Black propaganda) یا پروپاگاندا پنهان نوعی از شبهه‌افکنی است که تلاش می‌کند مفاهیم، منتسب به منابع دیگری غیر از منابع حقیقی به نظر برسند و از این طریق هویت خود را مخفی نگه می‌دارد. در پروپاگاندا سیاه نه تنها تحریف عمدی صورت می‌گیرد؛ بلکه هویت منبع نیز معمولاً نامشخص یا نادرست است؛ زیرا هنگامی که هویت نامعلوم باشد، وظیفه تحلیلگر دشوار شده و شناسایی پروپاگاندا سیاه تا زمانی که تمامی حقایق آشکار نشوند تقریباً ناممکن است (علوی، ۱۳۷۶: ۱۸۲).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. تبلیغات و آوازه‌گری.

نتیجه‌گیری

مواجهه و مقابله با شبهات نیازمند بررسی سه مؤلفه اساسی است: ۱. تحلیل علل وجودی شبهه‌پذیری ۲. تحلیل علل ثبوتی ایجاد شبهه و شبهه افکنی؛ ۳. تبیین عناصر شبهه‌پرداز و اهداف آنان برای پشتیبانی خرد مخاطبان در جهت عدم پذیرش شبهه. مشخص شد که بر اساس داده‌های دینی، شبهات، ریشه در ملکات نفسانی انسان دارند؛ اگر چه عوامل بیرونی متعددی در تکوین و پذیرش شبهه نقش دارند؛ لکن آنچه شبهه‌پذیری را ممکن می‌سازد، خاستگاه درونی شبهه در انسان است.

همچنین شبهه‌پذیری مهم‌ترین عامل ترویج شبهه در جامعه است. در گزاره‌های دینی دنیازدگی، فقر معرفتی و نادیده‌انگاری انحرافات نفسانی علاوه بر اینکه تعادل قوا را تهدید می‌کنند موجب کاهش معنادار توانایی ادراک گشته، روند شبهه‌پذیری را در حوزه درونی شخصیت، تسهیل و ممکن می‌سازند؛ بنابراین اساسی‌ترین گام برای نجات جامعه از ابتلا به شبهاتی که به هدف تخریب و تضعیف باورها و اعتقادات صحیح جامعه شکل می‌گیرد، اصلاح نفوس و تسلیح^۱ نظری جامعه است. بنابراین برای مواجهه و مقابله با شبهه باید مجامع علمی، فرهنگی و خانواده‌ها، به عنای سامانه معرفتی و اخلاقی متریان توجه تام داشته باشند و سیاست‌گذاری‌های جدی و علمی در این راستا صورت پذیرد.

خاستگاه بیرونی شبهه را می‌توان در دو گروه کلی دسته‌بندی نمود: گروه اول کسانی که خود نیز گمراهند و اسیر شبهات علمی شده‌اند و نادانسته مسبب ایجاد و گسترش شبهاتی هستند که به آن مبتلا بوده و هستند. گروه دوم کسانی که حق و باطل را می‌شناسند؛ لکن برای حفظ منافع یا استثمار دیگران در حوزه‌های گوناگون، شبهه‌سازی و شبهه افکنی می‌کنند. تمسک این گروه به شبهه با وجود افراد کم معرفت و بی بصیرت ممکن است؛ از این رو، آگاهی از هدف‌گذاری‌های شبهه‌پردازان، موجب پشتیبانی خرد مخاطبان در شناسایی شبهه‌پردازان می‌گردد و افراد را نسبت به گفتار و رفتار آنان حساس نموده، تشخیص شبهه تسهیل می‌شود. چرا که پس از رهایی نفس از انحرافات درونی نیاز به بصیرتی است که سره از ناسره تفکیک گردد.

۱. تسلیح به معنی مسلح کردن است. در این جا تقویت برای تغییر حالت انفعال به حالت فعال و تهاجمی مراد است. از این رو جایگزینی بهتر از تسلیح نیافتیم. حتی تقویت نیز این مفهوم را نمی‌رساند.

منابع و مأخذ

- ۱) قرآن کریم
- ۲) **نهج البلاغه**. (۱۴۱۴ ق). تصحیح صبحی صالح. قم: دارالهجرت.
- ۳) آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین. (۱۳۶۶). **شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم**. چاپ چهارم. تهران: دانشگاه تهران.
- ۴) ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). **لسان العرب**. تحقیق و تصحیح جمال الدین میردامادی. چاپ سوم. بیروت: دارالفکر.
- ۵) البانی، عصری. (۱۳۹۳). **حدیث الفئدة الباغیة**. چاپ اول. تهران: مشعر.
- ۶) ابن فارس بن زکریا، ابوالحسین احمد، عبدالسلام محمد هارون. (۱۳۸۷). **ترتیب مقایس اللغه**. چاپ اول. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۷) انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۶). **فرائد الاصول**. چاپ پنجم. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ۸) برنجکار، رضا. (۱۳۹۱). **روش شناسی علم کلام**. چاپ اول. قم: دارالحدیث.
- ۹) بهمنی، سعید. (۱۳۹۴). **منطق پاسخ دهی قرآن**. چاپ اول. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۱۰) بهمنی، فرانک. (۱۴۰۰). «آسیب شناسی تبیین گزاره های دینی حوزه های زنان از منظر عقل منطقی». فصلنامه اندیشه نوین دینی. ۶۷/۱۷. صص ۲۳-۴۲.
- ۱۱) حرّانی، ابن شعبه. (۱۳۶۳). **تحف العقول**. احمد جنتی. تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: بی نا.
- ۱۲) خمینی (ره)، روح الله. (۱۳۷۱). **چهل حدیث**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۱۳) جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۷). «**نفس مسوله و راه های رهایی از آن**». نشریه پاسدار اسلام. شماره ۲۰۳. صص ۶-۱۵.
- ۱۴) راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). **مفردات الفاظ قرآن**. بیروت: دارالقلم.
- ۱۵) شرف الدین، عبدالحسین. (۱۴۳۱ ق/ ۲۰۱۰ م). **النص و الاجتهاد**. چاپ دوم. بیروت: دار المورخ العربی.
- ۱۶) صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۵۷). **التوحید**. قم: هاشم حسینی طهرانی.
- ۱۷) طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۸۲). **ترجمه تفسیر المیزان**. سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۸) علیزاده موسوی، سید مهدی. (۱۳۹۴). **سلفی گری و وهابیت**. چاپ ششم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۹) علیزاده موسوی، سید مهدی. (۱۳۹۵). «**درآمدی بر چیستی شبهه در علم کلام**». پژوهشنامه حج و زیارت. سال ۲/۱. صص ۶۵-۹۰.
- ۲۰) علوی، پرویز. (۱۳۷۶). **ارتباطات سیاسی: ارتباطات، توسعه و مشارکت سیاسی**. چاپ چهارم. تهران: انتشارات تانیه.

- ۲۱) غروی نائینی، نهله و حسین ایضی شلمانی. (۱۳۸۷). «انواع پرسش پرسشگران عصر نزول قرآن کریم و رابطه آن با دانش». پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم. زمستان ۱/، ۸۱-۱۰۳.
- ۲۲) غزالی، محمد. (۱۳۵۱). احیاء العلوم. ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۳) فاضل یگانه، مسعوده و فرانک بهمنی. (۱۴۰۰). «ماهیت توریه و بازخوانی نقش آن در جواز و عدم جواز». فصلنامه پژوهش‌های فقهی، ۴/۱۷، ۱۳۱۹-۱۳۴۶.
- ۲۴) فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ ق). کتاب العین. قم: انتشارات هجرت.
- ۲۵) فیومی، احمد بن محمد. (۱۹۷۷ م). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. قاهره: دار المعارف.
- ۲۶) کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۹). اصول کافی. چاپ اول. سید جواد مصطفوی. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- ۲۷) کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳). الکافی. قم: دار الحدیث.
- ۲۸) مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- ۲۹) محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۷). میزان الحکمة. ج اول. حمیدرضا شیخی. قم: دارا لحدیث.
- ۳۰) محمدی، رضا. (۱۳۹۰). «شیوه شناسی پاسخ گویی به سؤالات و شبهات دینی - زمینه‌های پیدایش شبهه». نشریه پیام. زمستان/۱۰۸. صص ۲۶-۳۳.
- ۳۱) مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳۲) مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. محقق عبدالله محمود شحاته. ج اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۳۳) مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. ۳ جلدی. چاپ اول. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع).
- ۳۴) نراقی، ملا احمد. (۱۳۸۸). معراج السعاده. چاپ دوم. قم: آل طه.

35) <https://farsi.khamenei.ir/>

36) www.KHAMENEI.IR

References

1. The Holy Quran.
2. Nahj al-Balaghah. (1414 AH). Edited by Subhi Salih. Qom: Dar al-Hijrat.
3. Agha Jamal Khansari, Muhammad ibn Hussein. (1366). Agha Jamal Khansari's Sharh Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim. Fourth edition. Tehran: University of Tehran.
4. Ibn Manzoor, Muhammad bin Mukarram. (1414 AH). Lisan al-Arab. Research and correction by Jamaluddin Mirdamadi. Third edition. Beirut: Dar al-Fikr.
5. Albani, Asri. (1393). Hadith al-Fi'ah al-Baghiyah. First Edition. Tehran: Mash'ar.

6. Ibn Faris bin Zakaria, Abullhussein Ahmad, Abdul Salam Muhammad Haroon. (1387). *Tartib Maqayis al-Lughah*. First Edition. Qom: Institute of Seminary and University Press.
7. Ansari, Murtaza bin Muhamm Amin. (1416). *Faraid al-usul*. Fifth Edition. Qom: The Institute of Al-Nashr al-Islami.
8. Berenjkari, Reza. (1391). *Methodology of Science*. First Edition. Qom: Dar al-Hadith.
9. Bahmani, Said. (1394). *The logic of the answer of the Qur'an*. First Edition. Qom: Institute of Islamic Science and Culture.
10. Bahmani, Faranak. (1400). "Pathology of Explaining the Religious Function of Women from the Perspective of Logical Reason". *Journal of Modern Religious Thought*. 17/67. 23-42.
11. Harrani, Ibn Shubah. (1363). *Tuhaf al-Aqul*. Ahmad Jannati. Correction by Ali Akbar Ghaffari. Tehran: No Name.
12. Khomeini, Ruhollah. (1371). *Forty Hadithes*. Tehran: The Institute for regulating and publishing Imam Khomeini's Works.
13. Javadi Amoli, Abdullah. (1998). "Nafs Musawwilah ve Rahhaye Rahayi az an." *Pasdar Islam Magazine*. No. 203, pp. 6-15.
14. Raghbi Isfahani, Hussein ibn Muhammad. (1412 AH). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Qalam.
15. Sharafuddin, Abdul Hussein. (1431 AH/2010). *Al-Nas wa al-Ijtihad*. Second edition. Beirut: Dar al-Muwarrikh al-Arabi.
16. Saduq, Muhammad bin Ali ibn Babwayh, (1357). *Al-Tawhid*, Qom: Hashem Hosseini Tehrani.
17. Tabatabaei, Seyed Muhammed Hussein (1382). *Translation of Tafsir al-Mizan*. Seyed Muhammad Baqir Mousavi hamadani. Qom: Islamic Publishing Office.
18. Alizadeh Mousavi, Seyyed Mahdi. (1394). *Salafism and Wahhabism*. Sixth edition. Qom: Islamic Tablighat Office.
19. Alizadeh Mousavi, Seyyed Mahdi. (1395). "Daramadi bar Chisti Shobbeh dar Elm Kalam", *Hajj and pilgrimage Research Journal*. Year 1/2. Pp. 65-90.
20. Alavi, Parviz. (1376). *Political Communication: Communication, Development and Political Participation*. Fourth edition. Tehran: Saniyah Publications.
21. Gharavi Naeeni, Nahleh and Hossein Abyazi Shelmani. (1387). "Types of Questions for the Qur'an's Questionnaires of the Holy Quran and its Relationship with Knowledge". *Quranic Science and Education Journal*. Winter /1, 81-103.
22. Ghazali, Muhammad. (1351). *Ihya Ulum al-Din*. Translated by Muayyiduddin Mohammad Kharazmi. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
23. Fazel Yeganeh, Masoud and Faranak Bahmani. (1400). "Mahiyat Tawriyah va Naqsh an da Jawaz va Adam-Jawaz". *Jurisprudential Research Quarterly*, 4/4, 1319-1346.
24. Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1410 AH). *Al-Ain*. Qom: Hijrat Publications.
25. Fayyumi, Ahmad ibn Muhammad. (1977). *Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir li al-Rafii*. Cairo: Dar Al-Maarif.
26. Kulaini, Muhammad ibn Ya'qub. (1369). *Usul al-Kafi*. First Edition. Seyed Javad Mostafavi. Tehran: Ilmiyyah Islamiyyah Bookstore.
27. -----, (1363). *Al-Kafi*. Qom: Dar al-Hadith.
28. Majlisi, Mohammad Bagher. (1403 AH). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
29. Mohammadi Ray Shahri, Mohammad. (1387). *Mizan al-Hikmah*. First edition. Hamid Reza Sheikh. Qom: Dar al-Hadith.
30. Mohammadi, Reza. (1390). "The style of answering religious questions and doubts- the grounds for the emergence of the doubt." *Magazine of Peyam*. Winter/108. Pp. 26-33.
31. Mustafavi, Hassan. (1368). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim*. First Edition. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
32. Muqatil bin Sulaiman (1423 AH). *Tafsir Muqatil bin Sulaiman*. Research by Abdullah Mahmoud Shahhata. First ed. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
33. Makarem Shirazi, Nasir. (1377). *Ethics in the Qur'an*. 3 volumes. First Edition. Qom: Al-Imam Ali bin Abi Talib (AS) School.
34. Naraq, Mulla Ahmad. (1388). *Mi'raj al-Sa'adah*. Second edition. Qom: Al Taha.